

کتاب

قسمت چهارم

سفر به جهان شعر و قصه‌ها همراه با مکتب‌های ادبی

سفری به دوره رمانتیسم‌ها همراه با داش آکل از هدایت و بلندی‌های بادگیر از برونته

ریحانه میرحسینی

کارشناس ارشد ادبیات

وقتش رسیده که ذهنیت خود را درباره اینکه اثر رمانتیک فقط به مسائل احساسی و عاشقانه می‌پردازد کنار بگذارید و با جنبه‌های دیگر آن نیز آشنا شوید. هر کدام از مکتب‌های ادبی جذابیت و ویژگی‌های خاص خود را دارند ولی در این میان رمانتیسم جذاب‌ترین آنها است که جنبه‌های مختلفی را ارائه می‌دهد. این مکتب هم نویسندگان بسیار و هم آثار بسیاری را داراست و حتی در زمینه شعر هم موفق‌تر از دیگر مکتب‌ها به سبب اینکه احساسات را آزادانه بیان می‌کند، عمل کرده است.

رمانتیسم جنبشی علیه کلاسیسم

رمانتیسم جنبشی و طغیانی بود که علیه کلاسیک‌ها به راه افتاد و سعی کردند در نقطه مقابل آنها قرار گرفته و به مخالفت بپردازند. رمانتیسم مکتب ادبی اروپا در قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ که به صورت واقعی ابتدا در انگلستان آغاز شد و سپس به فرانسه و کشورهای دیگر رفت و از همان ابتدای قرن می‌توان تغییراتی که دیدگاه مردم نسبت به طبیعت و نظم و نظامات طبیعی صورت گرفته را حس کرد. این دوره از هر لحاظ بسیار دوره مهمی است و مفاهیمی چون حس وطن‌دوستی و مردم‌داری در آن شکل می‌گیرد و مسائلی چون ضدیت با برده‌داری، حمایت از حیوانات و انسان‌ها هم مربوط به این دوره است. همچنین یکی از شاخه‌های مهم ادبیات، یعنی ادبیات تطبیقی هم در این عصر پا گرفت. از بزرگان رمانتیسم می‌توان به ژان ژاک روسو، گوته، الکساندر دوما، مادام دوآستال و ادگار آلن پو اشاره کرد.

مشخصات فکری رمانتیسم‌ها چه بود؟

آنها به بعضی از مسائل که نقطه مقابل کلاسیسم‌ها بود، توجه داشتند مانند توجه فراوان به طبیعت، شیوه‌های زندگی طبیعی و مناظر و صحنه‌های بکر در آن. از دیگر خصوصیات مهم می‌توان به قدرت تخیل بسیار، فرد‌نیازهای او، همچنین توجه به احساسات و عواطف اشاره کرد. رمانتیک‌ها اعتقاد به جنون، هذیان، روح و مخالفت با خرد در نوشته‌های خود داشتند به طوری که ریکتور خود را در خاطرات یک روح معرفی می‌کند و آلفرد دوموسه می‌گفت: باید هذیان گفت!

رمانتیسم در شعر معاصر ایران

شعر رمانتیک معاصر ما ویژگی‌هایی مانند سادگی و زیبایی، یاد خاطرات گذشته، فرار از واقعیت و تصویرپردازی‌های زیبایی را دارا است. کسانی چون نیما، مشیری، شهریار و فریدون توللی از سرایندهان این سبک هستند و قالب‌های جدید را در شعر گفتن امتحان کرده‌اند.

داش آکل و قصه عشق او به مرجان

داش آکل از شاهکارهای صادق هدایت به شمار نمی‌آید ولی از لحاظ جنبه‌های رمانتیکی حرفی برای گفتن دارد. این رمان در دهه اول قرن حاضر شمسوی و در دوره شکوفایی نسل اول داستان کوتاه و رمان نویسی ایرانی نوشته شده است. این داستان هم مانند بلندی‌های بادگیر، اغلب افراد بیشتر با فیلم آن آشنایی دارند ولی در حین خواندن کتاب متوجه می‌شوید که وجوه رمانتیکی در آن بسیار دیده می‌شود. قصه در شهر شیراز اتفاق می‌افتد و هدایت از همان ابتدا به مناظر و شیوه‌های زندگی طبیعی توجه دارد و آن را به نمایش می‌گذارد. موضوع بر سر دعوای داش آکل و کاکا رستم است که برای رسیدن به مرجان سایه همدیگر را با تیر می‌زنند. داش آکل پهلوان و عیاری است که از دل جامعه و مردم برخاسته و به آنها تاپای جان کمک می‌کند ولی خودش شخصیتی تنها و منزوی دارد و فقط با طوطی‌اش درد دل می‌کند. در این داستان وقتی داش آکل می‌بیند عاشق مرجان شده و دل از دست داده، احساسات و مسائل عاطفی که از برجسته‌ترین ویژگی‌های رمانتیسم‌ها است نقش می‌بندد و هدایت با وسواس خاصی آنها را بیان می‌کند.

یادداشت‌دبیر

اندر مزایا و معایب
یک پرونده

شاید پرونده‌ها زیاد هم
بدنیستند!

محمدعلی بزداغیاری

دبیر گروه کتاب

mohammadalyazdanyar@gmail.com

من از پرونده‌های ویژه خوشم نمی‌آید. مخصوصاً وقتی چند صفحه بیشتر فضا نداریم در حالی که چند ده صفحه حرف برای زدن با شما داریم. قبل‌تر که با جناب سردبیر در هفته‌نامه‌های دیگر همکاری می‌کردم هم چنین مشکلی را مطرح کرده بودم. پرونده‌ها روند ثابت و مشخص هفته‌نامه را به هم می‌ریزند و طبیعتاً انتظارات مخاطب را هم دگرگون خواهند کرد. خود من زمانی که آن سمت پیشخوان و تنها به عنوان خواننده در فضای مطبوعات نقش‌آفرینی می‌کردم بارها از این پرونده‌ها ضربه خوردم. برای من حذف صفحات کتاب، سینما و موسیقی در مجله مورد علاقه‌ام اتفاقی بود بسیار تلخ. من یک هفته کامل، از جمعه‌ای که آخرین کلمات مجله را بلعیده بودم تا پنجشنبه هفته بعد و بازگشت از مدرسه برای مطالعه این سه بخش به انتظار می‌نشستم و اگر این صفحات برای باز کردن جای پرونده حذف می‌شدند کاملاً تلخ می‌شد. در زمان مذاکرات ابتدایی برای قبول مسئولیت صفحات کتاب یکی از دغدغه‌هایی که با محمدصادق علیزاده در میان گذاشتم همین بود که من علاقه‌ام به پرونده باران شدن هفته‌نامه ندارم و البته ایشان هم تضمین و حتی تشویق کردند که رویکرد ما در ایران جمعه بر اساس یک روند مشخص و ممتد خواهد بود و در این ۱۳ شماره هم همین مسیر را کم و بیش طی کرده‌ایم. تنها ویژه‌نامه ما مربوط به جام جهانی بود که من هنوز هم آن شماره را بهترین کاری می‌دانم که تیم ما در گروه کتاب انجام داده است.

در این شماره هم باز یک ویژه‌نامه داریم و یک ویژه‌نامه هم برای شماره ۱۵ برنامه‌ریزی کرده‌ایم. بین شماره ۸ تا ۱۵ سه ویژه‌نامه خیلی بیشتر از چیزی است که فکرش را می‌کردم و این باعث ایجاد یک احساس دوگانه در من شده است. تهیه ویژه‌نامه یک کار عمیقاً گروهی است. از همان لحظه پیشنهاد شدنش، تمام اعضای گروه کتاب به دنبال موضوع اند و وقتی موضوع نهایی شد نوبت مشخص شدن رویکرد گروه، کتاب‌های انتخابی و فضای صفحات است و بعد هر کسی بخشی از کار را در دست می‌گیرد. همه به جنب و جوش می‌افتند و هر کسی نظری می‌دهد و نظری وارد می‌کند و نظر دیگری را تأیید. همین کنشگری صفر تا صد موتور محرکه‌ای است که کیفیت تمام مطالب ویژه‌نامه را بالا می‌برد. از آن سمت انسجام و پیوستگی مطالب یک پرونده و ارتباط با حال و هوای روز، مخاطب را بیشتر درگیر مطالب می‌کند و این هم یعنی شما عزیزان احتمالاً با این پرونده‌ها بیشتر کتاب بخوانید. همه اینها باعث شده سپرم در برابر پرونده‌های ویژه پایین بیاید و راستش را بخواهید کم‌کم فکر می‌کنم شاید پرونده‌ها آن قدری که من خیال می‌کردم هم بد نباشند!



تمام اعضای گروه کتاب
به دنبال موضوع اند و
وقتی موضوع نهایی شد
نوبت مشخص شدن
رویکرد گروه، کتاب‌های
انتخابی و فضای صفحات
است و بعد هر کسی
بخشی از کار را در دست
می‌گیرد. همه به جنب
و جوش می‌افتند و هر
کسی نظری می‌دهد



اثر عاشقانه و جذاب امیلی برونته، بلندی‌های بادگیر

چیزی را می‌داند و در همه جا حضور دارد. در این رمان ویژگی‌های رمانتیسم بسیار به کار رفته که یکی از اینها نشانه‌های رمان گوتیک بوده که ژانر بسیار مورد علاقه آنها است. این ژانر معمولاً در مکان‌های بسیار عجیب و غریب و مرمر رخ می‌دهد، مانند این داستان که در یک قصر بزرگ و ویران در بلندی یک کوه مرتفع و بادگیر اتفاق می‌افتد و مدام از آنجا صداهای مهیب به گوش می‌رسد و حتی وجود اشباح و رویدادهای غیرقابل توضیح روی داده و کاترین و هیثکلیف هم در این مکان رشد می‌کنند. وجود اشباح در این رمان بارها تکرار شده، مثلاً مردم روستا در انتهای قصه می‌گویند که شیخ کاترین و هیثکلیف که مرده‌اند در علفزارها قدم می‌زنند. یا هنگامی که لاکوود، راوی رمان، شبی را در آن بلندی‌ها می‌گذراند در نیمه‌های شب متوجه روح دختر جوانی می‌شود که سعی می‌کند از پنجره وارد اتاق شود. موضوع مهم

بیشتر مردم بلندی‌های بادگیر را به واسطه فیلمی که از آن در سال ۱۹۳۹ ساخته شد می‌شناسند ولی مثل همیشه خواندن رمان آن چون با جزئیات بیشتری همراه بوده قطعاً برای مخاطب جذاب‌تر است. این اثر محبوب‌ترین رمان قرن نوزدهم در سده بیستم نامیده می‌شود و از نظر تکنیک و شگردهای روایی و رمانتیک بسیار درخشان است. این رمان به دو بخش تقسیم شده که بخش اول آن کاملاً رمانتیک است و ویژگی‌های آن تماماً دیده می‌شود ولی در بخش دوم آن کمی به سمت جریان



فرق رمانس و رمانتیک در چیست؟

در کتاب مکتب‌های ادبی این‌گونه تعریف شده که در قرون وسطی به زبان‌های محلی مشتق از لاتین، رمانس می‌گفتند که زبان علم بود و تنها دانایان آن را بلد بودند و آثار علمی و مذهبی خود را به این زبان می‌نوشتند و در مقابل آن داستان‌ها و شعرها را به زبان مادری خودشان که به آن رمانتیک گفته و منسوب به رمانس بود خلق می‌کردند که این آثار اغلب عامه‌پسند بود.



ویکتور هوگو پیشوای رمانتیسم بود

ویکتور هوگو یکی از قوی‌ترین رمانتیک‌نویسان است و در اغلب کتاب‌های خود به این اصول پایبند بوده. در مردی که می‌خندد هم زشتی‌ها و هم زیبایی‌ها را بیان می‌کند یا در اثر معروف خودش بینوایان، انسان را تماماً درگیر با قوانین نشان می‌دهد. او در رمان آخرین روز اعدام یک محکوم رنج‌هایی را نشان می‌دهد که یک انسان ناامید با آن روبه‌رو است.



علل و زمینه‌های پیدایش رمانتیسم چه بوده است؟

کسانی که با مکتب‌ها آشنایی دارند هشت علت برای شکل‌گیری رمانتیسم یادآور شدند که یکی از آنها روزنامه‌نگاری بود زیرا که مخاطبان آن از دل جامعه بودند، همچنین بحث‌های نظری و ایجاد فرهنگستان بسیار به رواج دانش در بین مردم عادی کمک کرد. از دیگر عوامل می‌توان به انقلاب فرانسه و انگلستان، پیدایش طبقه بورژوا، از بین رفتن اصول اخلاقی در نوشتن و آشنایی با ادبیات مشرق زمین اشاره کرد.

دیگری که در این داستان وجود دارد شخصیت کاترین و هیثکلیف است، این دو به قدری به هم علاقه داشتند که اشتیاق‌شان به یکدیگر در سراسر داستان حتی پس از مرگ‌شان نیز دیده می‌شود. هیثکلیف نیز تقریباً دارای شخصیتی رمانتیک و قهرمانی بایرونی است، این‌گونه که شخصیتی دمدمی مزاج و هیجانی بود که هیچ‌گونه ثبات شخصیتی نداشت و منزوی گشته بود. همچنین در این رمان باور رمانتیک‌ها به ارزش‌ها و قدرت‌های طبیعت قابل مشاهده است و توصیف‌های بی‌نظیری از طبیعت ارائه می‌دهد.